



Investigating Ideological and Political Origins of the Houthis' Movement

Ahmad Jansiz¹, Mostafa Tarin²

¹ Associate Professor, Department of Political Sciences, University of Gilan, Gilan, Iran (**Corresponding Author**).
jansiz@guilan.ac.ir

² PHD. Student, International Relations, Department of Political Sciences, University of Gilan, Gilan, Iran.
tarin229@gmail.com

Received: 28 September 2019; **Accepted:** 17 October 2019

Abstract

The purpose of the present study is to investigate and identify the political, ideological roots, motivations, and motives of the Houthi movement that has emerged in Yemen in recent years. In this study, the scientific and theoretical reasons of the Houthi movement have been taken into consideration by Dokmajian theory, and the role of Zaydieh and the actions of Yemeni rulers, especially Ali Abdullah Saleh and the ideas of Hussein Al Houthi have been noticed. This paper, using a descriptive-analytical method, shows that in analyzing the causes of the Houthi movement, some internal factors such as political, social, cultural and economic conditions are considered to be a factor for this movement and some other theorists believe external factors, international system and the effects of external events have contributed to this movement. The dynamics of the Houthi movement indicate that it will gain an important place in the political future of Yemen and in power position. Studying the intellectual roots of this movement has mostly political and ideological backgrounds that have fed the will of its followers. Combating oppression, American hegemony, Zionist influence, and the destruction of secularism have a particular place in these ideas, and they emphasize the legitimacy of the political system, justice and the renunciation of evil.

Keywords: Yemen, Houthis Movement, Saudi Arabia, Iran, United States, Political movements.



بررسی ریشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی‌ها

احمد جانسیز^۱، مصطفی تارین^۲

^۱دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول).

jansiz@guilan.ac.ir

^۲دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

tarin229@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و تشخیص ریشه‌ها، انگیزه‌ها و محرک‌های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی‌ها که در سال‌های اخیر در کشور یمن شکل گرفته است، بود. در این رستا، در بررسی دلایل علمی و نظری جنبش الحوثی نظریه دکمجیان مورد توجه قرار گرفته و به نقش زبیده و نیز اقدامات حکام یمن به ویژه علی عبدالله صالح و اندیشه‌های حسین الحوثی پرداخته شده است. این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و یافته‌ها نشان داد، در تحلیل علل پیدایش جنبش حوثی‌ها، برخی عوامل داخلی مانند شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را عاملی برای این جنبش می‌دانند و برخی دیگر از نظریه‌پردازان، عوامل خارجی، نظام بین‌الملل و تأثیرات رخدادهای بیرونی را در ایجاد این جنبش مؤثر می‌دانند. پویایی جنبش حوثی‌ها نشانگر این است که این جنبش در آینده سیاسی کشور یمن و در مسند قدرت، جایگاه مهمی را به دست خواهد آورد. بررسی ریشه‌های فکری این جنبش بیشتر زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک دارد که اراده پیروان خود را تغذیه نموده است. مبارزه با ظلم و اشغال، هژمونی امریکا، نفوذ صهیونیسم و تخریبات سکولاریسم جایگاه خاصی در این اندیشه‌ها داشته و آنان بر مشروعیت نظام سیاسی، عدالت‌خواهی و امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: یمن، جنبش حوثی‌ها، عربستان، ایران، امریکا، جنبش‌های سیاسی.

مقدمه

پس از حمله نیروهای حوثی به تاسیسات نفتی عربستان و دو کارخانه وابسته به شرکت غول پیکر آرامکوی این کشور که باعث وقوع آتش سوزی شدید در آن اماکن شد، عربستان نیمی از تولید نفت خود را از دست داد و این حمله واکنش‌های متفاوتی را در سطح جهان در پی داشت. این حملات نه تنها آسیب‌پذیری عربستان سعودی در جنگ علیه حوثی‌ها را برملا کرد، بلکه نشان داد که انجام چنین حملات مهمی تا چه حد کم‌هزینه شده است (Schmitz et al, 2019).

این حملات پیام‌های مهمی به سعودی‌ها درباره سطح تهدید اهداف راهبردی این کشور توسط حوثی‌ها در صورت تداوم حملات به یمن و ادامه تنش‌ها در خلیج فارس هم‌زمان با تلاش آنها برای فروش سهام آرامکو داد (Atwan, 2019). نظر به اینکه عربستان سعودی امکانات نظامی فراوان و حمایت‌های خاص امریکا را دارد و یمن بسیار فقیر است، افکار عمومی جهان و توده‌های میلیونی کنجکاو شده‌اند تا انگیزه‌ها و ریشه‌های فکری، سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی‌ها را درک نمایند. طبعاً کشف حقایق جنبش حوثی‌ها و تحولات یمن، نیازمند نگاه گذرا به بسترهای مذهبی و تاریخ سیاسی نزدیک یمن است.

در جوامع جدید، جنبش‌های اجتماعی - سیاسی در قالب یکی از گروه‌های میانجی و یا واسط هستند که باعث هدایت جمعی در یک جامعه یا بخشی از افراد آن می‌شود. افراد جامعه به واسطه‌ی این جنبش‌ها می‌توانند منافع و حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کرده یا به دست آورند و با فشاری که توسط جنبش‌ها بر سیستم حاکمیت و نخبگان

سیاسی جامعه خود وارد می‌کنند، آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود را جامه عمل بپوشانند و بدین روش در کنش تاریخی جامعه خود نقش مهمی ایفا کنند. همچنین این جنبش‌ها باعث شکل‌گیری یک ایدئولوژی و یا تربیت نخبگان جدیدی برای جامعه می‌شود که این افراد ممکن است در آینده جزو رهبران جامعه خود باشند.

در واقع مسایل و رخداد‌های درونی در حاکمیت یمن و همچنین ورود و نفوذ عوامل بیرونی و خارجی باعث شکل‌گیری جنبش اصلی کشور یمن گردید که از آن با عنوان «جنبش حوثی‌ها» نام برده می‌شود. حسین بدرالدین الحوثی به منظور مقابله با گسترش وهابیت که سبب بازگشت یمنی‌های سلفی و وهابی از افغانستان و ترس از تفکرات افراطی آنان تشدید شده بود، دو اقدام مهم انجام داد. اقدام نخست تاسیس «حزب الشباب المومن» و اقدام دوم تاسیس «ندای الصرخه» بود.

جنبش حوثی‌ها نوعی قرائت رادیکال از مذهب زیدی در قالب اندیشه الحوثی و برای احیای هویت زیدیه می‌باشد که در واکنش به گسترش اندیشه وهابیت در یمن توسط شخصی به نام «الحوثی» شکل گرفت و نخستین بار در سال ۱۹۹۱ به عنوان جنبش یا سازمانی فکری سیاسی و مسلح، ابراز وجود کرد (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۲۳).

هدف پژوهش حاضر بررسی جنبشی بود که در سال‌های اخیر در کشور یمن شکل گرفته است. در تحلیل علل پیدایش این جنبش، نظریه‌ها و رهیافت‌های مختلفی مورد بررسی و مطرح می‌گردد. برخی از این رهیافت‌ها عوامل داخلی مانند شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را عاملی برای این جنبش می‌دانند و برخی دیگر از نظریه‌پردازان، عوامل خارجی، نظام بین‌الملل و تاثیرات رخداد‌های بیرونی را در ایجاد این جنبش مؤثر می‌دانند.

چارچوب نظری

در بررسی دلایل علمی و نظری جنبش الحوثی، می‌توان با توجه به نظریه‌پردازی‌های دکم‌جیان^۱ پیرامون جنبش‌ها به آن پرداخت. دکم‌جیان در کتاب

^۱ Herayer Dokmejian

«جنبش‌های اسلامی در جهان عرب»، جنبش‌های بنیادگرایی اسلامی را همچون پدیده‌ی دوری در نظر می‌گیرد که به عنوان پاسخی به بحران اجتماعی حاد و فراگیری رخ می‌دهد. میزان و شدت عکس‌العمل بنیادگرایانه به عمق و فراگیرندگی به محیط بحران بستگی دارد. این محیط بحران از شش ویژگی برخوردار است: بحران هویت، بحران مشروعیت، آشوب و فشار، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی و بحران فرهنگ.

به اعتقاد دکم‌جیان، تکامل بنیادگرایی اسلامی تا حد زیادی در اثر عوامل خارجی شکل می‌گیرد. همچنین جنبش بنیادگرایی و رغبت آن به خشونت باعث عکس‌العمل و پاسخ حکومت به صورت سرکوب خشونت‌بار یا همسازی با جنبش و یا به همکاری طلبیدن آن می‌شود (دکم‌جیان، ۱۳۶۶، ص ۱۰۵).

حال پس از ذکر نظریه‌ی دکم‌جیان سوال اصلی که مطرح می‌شود این است که آیا این نظریه، در رابطه با جنبش حوثی‌ها صدق می‌کند؟ همان‌طور که گفته شد طبق این تئوری، جنبش‌های اسلامی پاسخی به محیط بحران می‌باشند. شش بحران در محیط یمن به وجود می‌آید تا جنبش شکل گیرد. تامل در تحولات یمن بیانگر این است که این محیط صاحب بحران‌های شش‌گانه بوده که در پاسخ به آن، جنبش الحوثی شکل گرفته است (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷).

در ارتباط با بحران فرهنگ و هویت، آنچه در یمن رخ داده است، نشان می‌دهد که دولت یمن اقداماتی را انجام داده، برای پاکسازی فرهنگی و هویتی زیدیه بوده است. بدرالدین حوثی در نامه‌ای که به آیت‌الله سیستانی نوشته بود می‌گوید: این رژیم علاوه بر انهدام خانه‌ها، مدارس و آواره کردن هزاران خانواده با هدف قرار دادن اندیشه اهل بیت (ع) و ریشه‌کنی میراث آنان، به سوزاندن برخی کتابخانه‌های خصوصی که دارای دست‌نوشته‌های منحصر به فردی از فرهنگ اسلامی می‌باشند، اقدام کرده است. یحیی الحوثی در بیانیه‌ای اعلام کرد، جنبش الحوثی مقاومتی است علیه هجوم فرقه سلفی به اصول شیعیان زیدیه (Sultan, 2007, p3).

بنابراین مشاهده می‌شود که دولت یمن در صدد مبارزه با فرهنگ اسلامی و هویت اسلامی زیدیه بوده و اقدامات آنان فرهنگ و هویت این فرقه را مورد تهاجم قرار داده و این خود باعث به وجود آمدن بحران شده است.

بحران مشروعیت

از قرن سوم قمری تا اواسط قرن گذشته، حکومت در اختیار زیدیان بود، اما در سال ۱۹۶۲ میلادی و با اقدام کودتایی، حکومت از زیدی‌ها گرفته شد و با متحد شدن دو قسمت شمالی و جنوبی یمن، علی عبدالله صالح قدرت را به دست گرفت.

زیدیه نسبت به حکومت صالح بدبین بوده و آن را موجب گسترش سکولاریسم می‌دانست. از سوی دیگر با نفوذ امریکا و عربستان در دستگاه سیاسی دولت یمن، پایه‌های مشروعیت این دولت سست‌تر شده است. جنبش الحوثی بر پایه‌ی آموزه‌های دینی خود مشروعیت دولت صالح را قبول نداشته و به مخالفت با آن پرداخت (Zimmerman & Harnisch, 2010).

مهم‌ترین اعتراض حسین الحوثی در سال ۲۰۰۳ و پس از نفوذ امریکا در یمن به بهانه فعال شدن نیروهای القاعده در این منطقه مطرح شد. اعتراض او این بود که چرا حکومت یمن اجازه داده است نیروهای نظامی خارجی در یمن مستقر شوند. حوثی‌ها معتقد بودند که خود یمن قادر است با تروریسم مقابله کند و نیازی به حضور نظامیان کشورهای دیگر در یمن نیست.

یمن از جمله کشورهای در حال توسعه و فقیر جهان بوده و حدود نصف جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این کشور وابستگی زیادی به کمک‌های خارجی و وام‌های بین‌المللی دارد. در طول سال‌های گذشته، یمن به طور متوسط سالیانه ۲۰ الی ۲۵ میلیون دلار از امریکا کمک دریافت کرده است (Sharp, 2010).

علی‌رغم اینکه یمن از تولیدکنندگان نفت است، اما کشوری فقیر باقی مانده است. حوثی‌ها نسبت به فقر شدید در میان یمنی‌ها و به ویژه زیدیان معترض هستند. استان

صعده در عین اینکه از جمله ثروتمندترین استان‌ها در میان استان‌های یمن از نظر منابع طبیعی می‌باشد، اما از فقیرترین استان‌های یمن است که به همین دلیل شرایط سخت اقتصادی - معیشتی زیدیان از نکات مورد نقد و اعتراض آن‌ها می‌باشد.

از زمانی که دولت صالح در سال ۱۹۶۲ توانست به قدرت برسد، فشارها و محدودیت‌ها بر شیعیان افزایش یافت. دکتر عصام العماد از علمای شیعه یمن در این باره می‌گوید: دولت یمن به دستور ژنرال علی عبدالله صالح به مساجد شیعیان حمله کرد و تمامی کتاب‌های مقدس از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه در صعده و صنعاء جمع‌آوری شد و با کامیون به میدان مرکزی شهر صنعاء برده شده و در برابر چشم مردم پایتخت به آتش کشیده شدند و نیز نیروهای نظامی حملاتی به مناطق شیعه‌نشین داشته‌اند.

زیدیان تحت همین فشارها است که از حقوق مشروع خود نیز محروم هستند. البته می‌توان از این فشارها این‌گونه نتیجه گرفت که به دلیل آن که علی عبدالله صالح خود نظامی بوده و با کودتا به قدرت رسیده است، فشار و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی بیشتری را اعمال کرد، زیرا زمانی که نظامیان به قدرت می‌رسند، محدودیت‌ها نیز بیشتر می‌شود (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹).

حال می‌توان گفت آنچه در یمن اتفاق افتاد براساس نظریه دوری دکم‌جیان، در اثر بحران‌های به وجود آمده در این کشور رخ داده است. حسین الحوثی که جنبش توسط او آغاز شد، رهبری بود که توانست مردم را با خود همراه کند. وی نگاه جامعی به تمامی جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی در تربیت هواداران خود داشت. پیروان خود را برای مقابله با چالش‌های سیاسی و امنیتی این کشور تربیت می‌کرد.

چالش‌های سیاسی و امنیتی یمن

در بررسی چالش‌های سیاسی و امنیتی یمن، عوامل فراوانی به ذهن می‌رسد که همگی به گونه‌ای اوضاع این کشور را به لحاظ داخلی و بین‌المللی با مشکل روبرو

ساخته است. در نگاه کلی می‌توان این چالش‌ها را در چهار مورد عنوان کرد که ثبات و امنیت داخلی این کشور و اثرگذاری آن بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را شکل می‌دهند. این چهار چالش عبارت‌اند از: مسئله حوثی‌ها در شمال، تجزیه‌طلبی در جنوب، افزایش فعالیت القاعده و چالش روابط با عربستان سعودی (سید، ۲۰۱۰م، ص ۲۶۲).

حوثی‌ها در سال ۱۹۹۰ و پس از وحدت دو یمن شمالی و جنوبی با تأسیس «حزب الحق» فعالیت سیاسی رسمی خود را آغاز کردند. در سال ۱۹۹۷ حسین الحوثی فرزند علامه بدرالدین از حزب الحق جدا شده، به همراه یاران خود تشکل «جوانان مؤمن» را تشکیل داد، اما این تشکل هیچگاه به دنبال تبدیل شدن به یک حزب نبود و وارد فعالیت سیاسی رسمی نمی‌شد. همین امر یکی از دلایل متهم شدن حوثی‌ها از سوی دولت به عدم پذیرش نظام جمهوری و تلاش برای اعاده نظام امامت زیدی - که از سال ۱۹۶۲ با کودتای ناصرست‌ها سرنگون شد - می‌باشد (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۲۶۳).

ریشه‌ی اصلی اختلاف‌های زیدی‌ها و به ویژه جنبش الحوثی با حکومت مرکزی به کودتای سال ۱۹۶۲ بازمی‌گردد که رژیم امامت منحل و رژیم جمهوری تشکیل شد (Hill, 2008, p54). امام بدر، جانشین امام احمد، آخرین امام رژیم امامت و طرفداران وی بارها در پی احیای رژیم امامت برآمده‌اند، اما تاکنون موفق به این کار نشده‌اند و همواره با سیاست دولت جمهوری به مخالفت برخاسته‌اند. سیاست‌های حاکمان یمن نیز نارضایتی زیدی‌ها را دامن زده بود و باعث شد مخالفت زیدی‌ها با حکومت مرکزی افزایش یابد.

پس از کشته شدن حسین الحوثی، پدر او بدرالدین الحوثی رهبری باقی مانده گروه را به دست گرفت. در زمان رهبری او جنگ دوم میان الحوثی و دولت در ماه مارس ۲۰۰۵ شکل گرفت و تا اوایل ماه آوریل به طول انجامید. عبدالله عاید الزواری رهبری نظامی جنبش را در دست داشت. در ژوئن سال ۲۰۰۵ الزواری تسلیم مقامات یمن شد و بدرالدین نیز فوت کرد. دولت یمن در پایان این جنگ اعلام کرد که ۸۰۰ نفر از پیروان الحوثی دستگیر شدند (Peterson, 2008, p13).

در ماه مه سال ۲۰۰۷ با میانجی‌گری قطر، توافق آتش‌بس میان دولت و گروه الحوثی امضاء شد. این پیمان پس از چند ماه مورد نقض قرار گرفت و منجر به شکل‌گیری جنگ بعدی شد (Peterson, 2008, p16). زمانی که چهارمین مرحله از منازعه خونین صعده آغاز شد کمتر کسی گمان می‌کرد که عبدالمالک الحوثی رهبر شورشیان، قرار است به یکی از نیروهای پیشگام در عرصه سیاسی یمن تبدیل شود. در آن زمان، الحوثی فقط رهبر جنبش مسلحانه حوثی‌ها در منطقه صعده در شمال غرب یمن به شمار می‌آمد. الحوثی در اوایل دهه ۱۹۸۰ متولد شده و جانشین برادر بزرگ‌تر و پدر بیمارش شده است.

پس از حدود یک سال آرامش، دوباره جنگ آغاز شد. سال ۲۰۰۹ در پی مفقود شدن یک گروه جهانگرد آلمانی در استان صعده، دولت یمن این مسئله را به حوثی‌ها نسبت داد. پس از به قتل رسیدن این سه گردشگر، دولت عبدالله صالح الحوثی را تروریست خواند تا نظر امریکا و غرب را برای اقدام علیه حوثی‌ها جلب کند و در پی آن جنگ ششم را به راه انداخت. این جنگ موجب کشته شدن ۱۲ هزار نفر و زخمی شدن ۲۵ هزار نفر شده است (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

در نبرد بعدی میان رژیم علی عبدالله صالح و حوثی‌ها، رژیم یمن با همراهی نیروهای نظامی عربستان سعودی و ارتش امریکا برای از بین بردن و سرکوب این جنبش، اقدام به کشتار مردم کرد. بوق‌های رسانه‌ای وهابیت نیز خوشحال از این درگیری‌ها به دروغ‌پراکنی علیه حوثی‌ها پرداختند تا سرپوشی بر جنایت‌های دیکتاتور یمن و همکاری امریکا و عربستان با وی بگذارند. در همین راستا سعی شد تا حوثی‌ها به عنوان عامل نفوذی ایران برای تضعیف حکومت یمن و ترویج تشیع در این کشور معرفی شوند و این اتهام بهانه‌ای برای ادامه کشتار مردم یمن همراه با سکوت مجامع اسلامی و بین‌المللی بود.

بحران و جنگ یمن، به خلاء امنیتی در محیط پیرامون ایران هم منجر شد. خیزش‌های جهان عرب با فروپاشی نظام‌های سیاسی اقتدارگرا در برخی کشورهای

منطقه باعث ایجاد سطحی از بی‌ثباتی و خلاء قدرت در منطقه شده و رهبران جدید نیز برای تثبیت و تحکیم نظام سیاسی نو نیازمند دوره‌گذار هستند. بنابراین، هرگونه تداوم بی‌ثباتی ناشی از تشدید تنش‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای، احتمال بروز جنگ داخلی در کشورهای بحران‌زده و بهره‌گیری گروه‌های افراط‌گرای تکفیری-سلفی، به ویژه داعش، از خلاء قدرت موجود در محیط سیاسی و امنیتی منطقه می‌تواند امنیت ملی بازیگران منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد (هوشی سادات، ۱۳۹۳).

ریشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک «جنبش الحوثی»

حوثی‌ها بازوی مسلح استان شیعی‌نشین صعده هستند که در برابر تهاجمات دولت مرکزی دفاع می‌کنند. حوثی‌ها و در رأس آنان، عبدالملک الحوثی بر این موضوع تأکید دارند که استان شیعه‌نشین صعده جزئی از خاک یمن است و آنان به هیچ وجه قصد جدایی از آن کشور را ندارند. عبدالملک الحوثی رهبر فعلی حوثی‌ها و برادر حسین الحوثی بارها بر این موضوع تأکید کرده است که از سوی هیچ کشوری حتی ایران حمایت نمی‌شود و خواسته‌هایی دارد که دولت مرکزی به آن توجه نمی‌کند.

اختلاف دیدگاه سیاسی با حکومت مرکزی در مورد امریکا و اسرائیل، بی‌توجهی دولت به وضعیت خاص استان صعده و انجام نشدن اقدامات عمرانی از جمله مسائلی است که از سال‌های پس از وحدت یمن تاکنون همواره باعث درگیری حوثی‌ها با دولت شده است. علاوه بر این، بافت قبیله‌ای و وضعیت جغرافیایی منطقه به عنوان یک عامل طبیعی باعث شده است که دولت مرکزی یمن نتواند حوثی‌ها را به راحتی شکست دهد (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

عبدالملک الحوثی از لحاظ فکری و فرهنگی به دلیل دارا بودن شخصیت قوی، پس از کشته شدن برادرش حسین با وجود برادر بزرگترش یحیی به رهبری این جنبش برگزیده شد و از سال ۲۰۰۴ تاکنون توانسته است با کمک برخی از هم‌فکران برادرش در شباب المؤمن، آن را هدایت و رهبری کند.

وی سخنوری بسیار توانا بوده و از لحاظ سیاسی نیز به علم روز مسلح است و با توجه به نفوذ پدرش بدرالدین که از ائمه مذهب جارودی (فرقه‌ای از زیدیه) است که احترام و نفوذ زیادی در یمن دارد، توانسته است بهره‌ فراوانی ببرد. به گفته‌ی مخالفان حوثی‌ها، تحولات فکری آنان باعث شده است که آنان در افکار و عقاید بسیاری با شیعه امامی احساس نزدیکی کنند و همین موضوع به عنوان نقطه اتهام آنان به عنوان حمایت فکری ایران نامیده می‌شود.

در واقع حوثی‌ها خود را مدافعان جامعه شیعیان زیدی می‌دانند که تحت حملات شدید بوده و در خطر نابودی فرهنگی قرار دارند. از نگاه آنان اتحاد میان دولت علی عبدالله صالح و سلفی‌ها تهدیدی بزرگ برای شیعیان و اهل سنت بوده است. به عبارتی می‌توان گفت که نیروهای حوثی در واقع بازوی مسلح شیعیان یمن هستند که در برابر تهاجمات دولت مرکزی از آنان دفاع می‌کنند.

یکی از مشکلات سعودی‌ها در درگیری با زیدیان این بود که شیعیان فقط داخل یمن نیستند و برخی مناطق هم‌مرز سعودی با یمن هم زیدی هستند. این واقعیت برای عربستان بسیار حائز اهمیت بوده و به راحتی مناطق جنوبی عربستان که شیعه‌نشین است، می‌توانند از جریان‌ات داخل یمن متأثر باشند (موسوی نژاد، ۱۳۸۸).

به علاوه بی‌توجهی دولت به وضعیت خاص استان الصعده و انجام نشدن اقدامات عمرانی از جمله مسائلی است که از سال‌های پس از وحدت یمن تاکنون همواره باعث درگیری حوثی‌ها با دولت بود که تا امروز ادامه دارد، در واقع بُعد دیگر اعتراض آنان به دولت مرکزی، جنبه عدالت‌خواهانه داشته است و آنان به دنبال جایگاهی برابر با دیگر مردم یمن و خواستار اهتمام بیشتر دولت به این منطقه محروم و عقب مانده‌اند (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۲۵-۲۴).

در اندیشه سیاسی حوثی‌ها تعریف خاصی از مشروعیت سیاسی وجود دارد. آنان کوشیده‌اند تا پیروان خود را براساس مبانی نظری منحصر به فردی تغذیه فکری کنند که بر بخشی از مفهوم سنتی مشروعیت متکی است. برای مثال در تعریفی که زیدی‌ها

از امامت دارند، مسئله ظهور و امام زمان(عج) جایگاهی ندارد. اما بدرالدین الحوثی و پسرش نظر جدیدی دارند. بدرالدین الحوثی در این باره می‌گوید: «ما دو نوع حکومت داریم که یک نوع آن، امامت بوده و این ویژه اهل بیت(ع) است. نوع دیگر احتساب (حسبه) نامیده می‌شود که هر مؤمن عادل از این باب می‌تواند حاکم شود، در صورتی که حساب دین خدا را بکند و از اسلام حمایت کند و به نیکی امر و از بدی نهی کند، اگرچه از سلاله امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هم نباشد».

حسین بدرالدین الحوثی بنیانگذار و رهبر سابق این جنبش که توسط ارتش یمن در سال ۲۰۰۴ کشته شد، در دهه شصت میلادی برای آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی به قم سفر کرد و به یکی از مریدان وی تبدیل شد.

از نظر ایدئولوژیک و اندیشه‌ای حوثی‌ها، حسین بدرالدین را رهبر می‌دانند؛ یعنی اندیشه استراتژیک و ایدئولوژیک حوثی‌ها کلاً از کتب سیدحسین گرفته شده است. حتی خود عبدالملک می‌گوید: «هرچه ما داریم، از برادر من، حسین داریم».

حوثی‌ها اثناعشری هستند، اصلاً هر کتابی که در صعدۀ محل حوثی‌ها هست، کتب جعفریه بوده و هیچ کتاب زیدیه در آنجا نیست. در همه کتابخانه‌های رسمی و شخصی و خانگی همه جا کتب جعفری است.

جنبه فرهنگی خیزش انصارالله را می‌توان در سه محور خلاصه کرد:

۱. شیعی بودن و حضور مبانی شیعه در آن
۲. نقد وضعیت موجود، خاصه اعتراض به فعالیت سکولاریستی رژیم جهت مهیاء نمودن شرایط برای وهابیون، دخالت‌های گاه و بیگاه عربستان و امریکا در امور یمن
۳. ترویج افکار امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌هایی چون مبارزه با امریکا و اسرائیل.

حسین در یکی از جزواتش به نام «الثقافه القرآنیة» که برگرفته از سخنرانی وی در سال ۲۰۰۲ می‌باشد، پس از بیان اهمیت فراگیری زبان عربی برای فهم صحیح «قرآن»،

می‌گوید: «ما به دلیل دوری از قرآن به خود بدی کرده‌ایم، به قرآن که بزرگ‌ترین نعمت خدا است، بدی کرده‌ایم و الآن به امتی مرده تبدیل شده‌ایم. این افتخار بسیار بزرگی برای ما است که به قرآن توجه کنیم. خصوصاً در این مرحله که دشمنان خدا به دنبال دور کردن ما از این کتاب آسمانی هستند، تا جایی که می‌خواهند قرآن را از ما بگیرند و در اعتقاد ما به قرآن تشکیک کنند».

او در یکی از جزواتش به نام «خطر دخول امریکا للیمن» (سخنرانی در سال ۲۰۰۳) کلامی از امام خمینی را این گونه نقل می‌کند: «امام خمینی امریکا را شیطان بزرگ نام نهاد و آن را بالاتر از هر شری دانست، زیرا یهود بر امریکا حکم می‌راند و بر آن حاکم است».

حوثی‌ها آشکارا از علاقه خود به حزب‌الله لبنان سخن می‌گویند و تلاش کرده‌اند ساختار و ایدئولوژی انصارالله سازمان مسلح خود را شبیه حزب‌الله لبنان کنند. آنها «الموت امریکا و الموت الاسرائیل» را به یکی از شعارهای بنیادین خود تبدیل کرده‌اند. حسین الحوثی در یکی دیگر از جزوات خود به نام «الإرهاب والسلام» (سخنرانی در سال ۲۰۰۲) درباره معنای دو اصطلاح «إرهاب» (ترور) و «جهاد» در فرهنگ اسلامی و تفاوت معنای آن در فرهنگ امریکایی مطالبی را مطرح می‌کند و سپس درباره حزب‌الله می‌گوید: «آیا سکوت در برابر [شهادت جوانان] حزب‌الله لبنان، جایز است؟ با اینکه آنها از روح قرآن کریم که عبارت از عمل و جهاد، وحدت و برادری، انفاق و ایثار است، الهام گرفته‌اند. آنها با سرافرازی زندگی می‌کنند و ضدّ خواست اسرائیل سخن می‌گویند و شبکه ماهواره‌ای علیه اسرائیل ایجاد کرده‌اند. سپس با انتقاد از ورود امریکا به یمن، سؤال می‌کند: «آیا برای مبارزه با سه تروریست، نیازی به آمدن امریکایی‌ها جهت آموزش ارتش یمن بود؟ آمدن امریکایی‌ها به یمن ابتدای شرّ است. آمده‌اند که پایگاه‌های نظامی راه بیندازند. پس از آن امریکا بر یمن مسلط خواهد شد و همه امور ما را فاسد خواهد کرد».

بخشی از تکوین فکری و سیاسی حسین الحوثی، ریشه در مبانی اندیشه سیاسی زیدی دارد که اصل پنجم دین را «امر به معروف و نهی از منکر» بر شمرده و لازمه‌ی ایمان به این اصل را «رد، سرکشی، سرپیچی، شورش، محاربه و خون‌خواهی از هر حاکمی می‌داند که به فسق و فساد او باور حاصل می‌شود».

اختلاف دیدگاه سیاسی با حکومت مرکزی در مورد امریکا و اسرائیل، یکی از مهم‌ترین مسایل سیاسی حوثی‌ها است. در این زمینه شعار جدید حوثی‌ها شایسته درنگ و تأمل است: «الله اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی الیهود، النصر للاسلام». ریشه این شعارها به آغاز انقلاب اسلامی ایران بازمی‌گردد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی به ویژه شیعیان منطقه است. این عامل ایدئولوژیکی به صورت جدی در کنار عامل ژئوپلیتیک ایران و عمق استراتژیک انقلاب اسلامی تاثیرگذار است. جنبش حوثی‌ها یک حرکت جوان، پرشور و مقاوم به نظر می‌رسد که پویایی جنبش حوثی‌ها نشانگر این است که این جنبش در آینده سیاسی کشور یمن و در مسند قدرت، جایگاه مهمی را به دست خواهد آورد.

بررسی ریشه‌های فکری این جنبش بیشتر زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک دارد که اراده‌ی پیروان خود را تغذیه نموده است. مبارزه با ظلم و اشغال، هژمونی امریکا، نفوذ صهیونیسم و تخریبات سکولاریسم جایگاه خاصی در این اندیشه‌ها داشته و آنان بر مشروعیت نظام سیاسی، عدالت‌خواهی و امر به معروف و نهی از منکر تاکید می‌کنند. حوثی‌ها به مذهب زیدیه منصوب هستند و به قدرت و بیداری مسلمانان به عنوان یک امت ایمان دارند.

حمله به آرامکو توسط حوثی‌ها به منجر مشترک ایران و حوثی‌ها در زمینه سیاست خارجی کمک نموده و این پیام را تاکید کرده است که اگر ایران و دیگر

بازیگران «محور مقاومت» از منابع انرژی و به ویژه نفت محروم شود، دیگر بازیگران خاورمیانه و حوضه خلیج فارس نیز محروم می‌شوند. مقاومت مردم یمن در برابر جنگ، حاوی این پیام نیز است که رژیم‌های همانند عربستان سعودی و حامیان قدرتمندش همچون امریکا در برابر اراده ملت‌ها عاجزانند. همچنین جنگ یمن باعث شده است که مردم یمن درباره ماهیت رژیم سعودی و حامیانش شناخت بیشتری داشته باشند. در این شرایط بحرانی طبعاً مردم یمن و پیروان جنبش حوثی‌ها نسبت به ایران علاقه‌مندتر شده‌اند.

تحولات پس از ۲۰۱۱ یمن و نیز حمله به آرامکو، می‌تواند علاوه بر فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهایی را نیز برای ایران به همراه داشته باشد. شکل‌گیری یک حکومت دمکراتیک که خواسته اصلی انقلابیون یمن بوده، در جهت منافع منطقه‌ای ایران قلمداد شده و می‌تواند منافع مشترک را تقویت کند. در نتیجه، ایران می‌تواند با تدبیر مناسب و اتخاذ یک سیاست خارجی پویا، از این سرمایه اجتماعی ایجاد شده در جنوب خلیج فارس به شکل بهینه استفاده کند.

قدرتمندتر شدن حوثی‌ها در یمن و تسلط بیشتر بر تنگه راهبردی باب‌المندب، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتی‌رانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را تحت کنترل قرار دهد.

لذا، چالش بزرگ در این زمینه می‌تواند مقابله با نفوذ فزاینده منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران باشد. ایران و بازیگران متحد آن باید تلاش‌های قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای مخالف تغییرات ناشی از خیزش‌های مردمی در جهان عرب را با تدبیر و دوراندیشی رصد کند.

منابع

۱. دکمجیان، ریچارد هرایر (۱۳۶۶). *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*. ترجمه حمید احمدی. تهران: کیهان.
۲. سید، رضوان (۲۰۱۰/۱/۱۵). *اليمن بين القضايا والمشكلات. جريدة الشرق الاوسط السعودية*.
۳. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۱). *دانشستان سرزمین‌های درگیر در واقعه شریف ظهور (عراق، عربستان و یمن)*. تهران: موعود عصر، چاپ دوم، جلد دوم.
۴. صادقی، حسین؛ احمدیان، حسن (۱۳۸۹). *دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها*. راهبرد، ۱۹(۵۶): ۲۵۳-۲۸۰.
۵. صالحی، محمدرضا (۱۳۸۸). *همیشه در اپوزیسیون*. صحیح صادق، ۴۲۹.
۶. فوزی، یحیی (۱۳۹۱). *علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن*. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱(۱): ۱۷-۳۴.
۷. مسعودنیا، حسین؛ توسلی، حسین (۱۳۹۱). *بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن*. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱(۳): ۱۴۱-۱۲۵.
۸. موسوی‌نژاد، سیدعلی (۱۳۸۸). *شیعیان زیدی و تحولات اخیر یمن*. موعود، ۱۴(۱۰۸): ۴۲-۴۹.
۹. هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳). *روابط ایران و یمن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها*. قابل دسترس در: سایت دیپلماسی ایرانی. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1945257>.
10. Atwan, A.B. (2019). The Houthis Change the Rules: Who's going to buy Saudi Aramco shares now?. Available at: www.raialyoum.com/index.php/the-houthis-change-the-rules.
11. Hill, G. (2008). *Yemen: Fear of Failure*. Chatham House: Middle East Program. New York Times.
12. Peterson, J.E. (2008). *The al-huthi conflict in Yemen*. Arabian Peninsula Background Note, No. APBN-006. published on: www.Jepeterson.net.
13. Schmitt, E. & Others (2019). *To Find Clues in Saudi Oil Attacks, U.S. Examines Missile and Drone Parts*. Available at: www.nytimes.com/issue/todayspaper/2019/09/18/todays-new-york-times.
14. Schmitz, C. (2012). *Yemens spring: whose agenda?*. Available in: <https://www.mei.edu/publications/yemens-spring-whose-agenda>.
15. Sharp, J.M. (2010). *Yemen: Background and U.S. Relations*. Congressional Research Service. Available: <http://fpc.state.gov/documents/organization/152043.pdf>.
16. Sultan, N. (2007). *Yemen: Anti-U.S. Militants Increase Attacks On Regime's Forces*. Global Information Network. New York, Feb 26.
17. Zimmerman, K. & Harnisch, C. (2010). *Al Houthi Movement*. January 28, Available: <https://www.criticalthreats.org/analysis/profile-al-houthi-movement>

References

1. Atwan, A.B. (2019). *The Houthis Change the Rules: Who's going to buy Saudi Aramco shares now?*. Available at: www.raialyoum.com/index.php/the-houthis-change-the-rules.
2. Dokmejian, R.H. (1987). *Islamic movements in Arab World*. Translated by Hamid Ahmadi. Tehran: Kayhan. [In Persian]
3. Fozi, Y. (2012). Causes of the formation and nature of political movements in the Middle East: A case study of the political movement in Yemen. *Political Studies of Islamic World*, 1(1): 17-34. [In Persian]
4. Hill, G. (2008). *Yemen: Fear of Failure*. Chatham House: Middle East Program. New York Times.
5. Hoshi Sadat, S.M. (2014). *Iran-Yemen relations, challenges and opportunities*. Available in: The Iranian diplomacy website, <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1945257>. [In Persian]
6. Masoudnia, H. & Tavasoli, H. (2012). The recall of al-Houthi Shiite movement in Yemen. *Political Studies of Islamic World*, 1(3): 125-141. [In Persian]

7. Moosavi Nejad, S. A. (2009). Zeidi Shia and recent developments in Yemen. *Mo'od*, 14(108): 42-49. [In Persian]
8. Peterson, J.E. (2008). **The al-huthi conflict in Yemen**. Arabian Peninsula Background Note, No. APBN-006.published on: www.Jepeterson.net.
9. Rezvan, Seyyed (2010/1/15). Yemen between issues and problems. *sharq Al-Awsat*. [In Arabic]
10. Sadeghi, H. & Ahmadian. H. (2010). Transforming the regional position of Yemen: facilities and challenges. *Strategy*, 56(19): 253-280. [In Persian]
11. Salehi, M.R. (20۰۹). Always in the opposition. *Sobhe Sadegh*, 429. [In Persian]
12. Schmitt, E. & Others (2019). **To Find Clues in Saudi Oil Attacks, U.S. Examines Missile and Drone Parts**. Available at:www.nytimes.com/issue/todayspaper/2019/09/18/todays-new-york-times.
13. Schmitz, C. (2012). **Yemens spring: whose agenda?**. Available in: <https://www.mei.edu/publications/yemens-spring-whose-agenda>.
14. Shafiee Sarvestani, E. (2012). **Encyclopedia of the lands involved in the event of Zohor (Iraq, Saudi Arabia and Yemen)**. Tehran: Mo'od Asr, second edition, Vol.2. [In Persian]
15. Sharp, J.M. (2010). **Yemen: Background and U.S. Relations**. Congressional Research Service. Available: <http://fpc.state.gov/documents/organization/152043.pdf>.
16. Sultan, N. (2007). **Yemen: Anti-U.S. Militants Increase Attacks On Regime's Forces**. Global Information Network. New York, Feb 26.
17. Zimmerman, K. & Harnisch, C. (2010). **Al Houthi Movement**. January 28, Available: <https://www.criticalthreats.org/analysis/profile-al-houthi-movement>